

بررسی فقهی حکم مجسمه سازی در اسلام

نویسنده: سید محسن رضوی اصل¹

چکیده

ساخت و نگهداری مجسمه ها، در بیشتر تمدن ها از جمله هنرهای مورد علاقه بشر بوده و با اهداف و انگیزه‌های مختلفی انجام می شده است. با ظهور اسلام در دوره ای که شرک و بت پرستی از اعمال رایج در جامعه آن دوران بود، یکی از جلوه های مبارزه میان حق و باطل، مسئله ساخت و نگهداری بت ها بوده، که از جمله مصادیق بارز مجسمه سازی است. هر چند در عصر حاضر دیگر بت پرستی، به جز در برخی جوامع دور افتاده، رواج ندارد و مجسمه سازی به عنوان یک رشته هنری و علمی در دانشگاه ها و آموزشگاه های هنر تدریس می شود، لیکن با توجه به اطلاق آیات و روایات متضمن حکم مجسمه سازی و همچنین با توجه به اجماع علمای اسلام از فرق مختلف اسلامی در اصل مسئله حرمت ساخت مجسمه موجودات ذی روح، بالاخص تسالم اکثر علمای شیعه، اکنون نیز همچون گذشته، مسئله حرمت مجسمه سازی به قوت خود باقی است و دلیل معتبری بر نسخ آن وجود ندارد.

کلید واژه ها

مجسمه سازی، بت، مکاسب محرمه، موجودات ذی روح، تصویرگری

¹ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. E_mail: mohsen.razavy@gmail.com

مقدمه

مجسمه سازی از جمله هنرهایی است که قدمت آن به قدمت تاریخ حیات بشر می باشد و برای آن دلایل مختلفی را می توان برشمرد: از جمله علاقه مندی انسان ها، بالاخص حاکمان و اصحاب قدرت به جاودانگی، احساس نیاز به پرستش موجودی مادی و قابل لمس، استفاده از مجسمه ها جهت دفع آفات و بلاهای طبیعی و از طرف دیگر ادیان آسمانی برای سعادت بشر، چه دنیوی و چه اخروی، تشریح شده اند و به همین جهت احکام و قوانین آن ها با فطرت بشری هماهنگ بوده و با خواسته ها و نیازهای فطری او در تضاد نیستند. اگر هم تضادی میان این دو مشاهده شود، به دلیل انحرافات انسان ها از مسیر فطرت بوده که موجب بروز تعارض میان علایق وی و دستورات شرایع آسمانی می شود.

هنگام ظهور اسلام، بیشتر مردم شبه جزیره عربستان، مشرک و بت پرست بودند و عده کمی پیرو ادیان الهی بودند. بت پرستی و پرستش انواع بت ها میان مردم رواج داشت و اکثر این بت ها به صورت مجسمه هایی بودند که از سنگ، چوب و انواع مواد دیگر ساخته شده بودند. بت ها با اهداف مختلفی مانند پرستش و یا یادبود مردگان ساخته می شدند، ولی آن چه که بیش از همه مورد توجه بود، ساخت، نگهداری و خرید و فروش بت جهت کرنش و پرستش بود. مهم ترین بت های دوران جاهلیت «لات»، «عُزّی» و «منات» نام داشتند که در قرآن از آن ها یاد شده است.

در مقابل دین اسلام به رعایت و حفظ توحید توجه خاصی دارد و تمام ابواب و منافذی را که به عقیده توحید خدشه وارد سازد، مسدود می نماید و راه احتیاط را در برگرفته و هر چیزی که انسان را به بت پرستی بکشاند و یا از آن بوی بت پرستی و پرستش غیر خدا بیاید، آن را به طور قطع حرام گردانیده است. به همین علت اسلام مجسمه ها را حرام نموده است و بجز مجسمه هایی که به عنوان اسباب بازی کودکان استفاده گردد، تمام آن ها را حرام می باشد و انسان مسلمان باید از آن اجتناب ورزد؛ به خصوص اگر مجسمه از یک مخلوق قابل ستایش مانند ملائکه یا پیامبری همچون عیسی (علیه السلام) و یا حضرت مریم (س) و یا مجسمه ای از یکی از خدایان بت پرستان همچون گاو نزد

هندوها و ... باشد، تا جایی که چنان عملی - اتخاذ مجسمه - تبدیل به کفر و یا شبیه آن می گردد و هرکسی هم آن را حلال بداند، کافر می شود. (قرضاوی، ص 170-171)

با در نظر گرفتن مطالب ذکر شده و به خصوص سابقه تاریخی استفاده از مجسمه سازی توسط بت پرستان، در دین اسلام به مسئله مجسمه سازی با دید منفی نگریسته شده و از امور مذموم تلقی می گردد. لذا با توجه به تغییرات بسیاری که در جنبه های مختلف سبک زندگی انسان های معاصر رخ داده است و مسلمانان نیز در زندگی فردی و اجتماعی خود ناگزیر از این تغییرات نبوده اند، همچنین ترویج و تدریس مجسمه سازی در عصر حاضر به عنوان یک رشته هنری در دانشگاه و مراکز علمی مختلف و ایجاد صنایع گوناگون مرتبط با آن و سودآوری مالی این صنایع، بررسی مجدد حکم مجسمه سازی مهم و ضروری می گردد.

اولین و اصلی ترین منبع جهت صدور احکام شرعی مراجعه به آیات قرآن کریم می باشد. فقها در مسئله مجسمه سازی، آیاتی از قرآن کریم را مستند فتاوی خود قرار داده اند، از جمله آیه 13 سوره سبأ، که در این آیه از تمثال و تصویر سخن گفته شده است: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ.» ترجمه: « برای او هر چه می خواست از محرابها، و تمثالها، و کاسه های چون حوض، و دیگهای ثابت در زمین، درست می کردند، گفتیم: ای آل داوود! شکر بگذارید، و بندگان شکرگزار من اندکند.»

اما جهت بررسی دقیق احکام فقهی در اسلام، علاوه بر بررسی آیات قرآن کریم، می بایست از احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله) و روایات معصومان (علیهم السلام) نیز جهت صدور حکم فقهی این مسئله مدد جست.

مجسمه سازی در لغت

به نظر می رسد که دو واژه صورت و تمثال با هم متفاوت بوده و هریک به قسم خاصی از محصولات هنری اطلاق می شوند. در کتب لغت نه تنها به تفاوت معنی واژه صورت و تمثال اشاره ای نشده، بلکه به نظر می رسد اصحاب لغت میان این دو واژه تفاوتی نگذاشته اند و هر دو را به طور یکسان

به مجسمه و نقاشی موجودات جاندار و بیجان اطلاق کرده اند.

در معجم تاج المعاجم لغت مجسمه در فارسی مترادف تمثال در عربی قرار داده شده است. (سعیدی، 1385، ص 781) در العین فی اللغه در مورد تمثال آورده است: «والتمثیل: تصویر الشئ كأنه تنظر إلیه» «مِثْل» عبارتست از «نظیر» در شکل و اندازه و حتی در معنا و «تمثیل» عبارتست از تصویر نمودن شیء به نحوی که گویا به آن نگریسته می‌شود و «تمثال» اسم است برای چیزی که بر غیر خلقت خود تصویر شده و مُمَثَّل گردیده است. (خلیل بن احمد، 1367، ج 8، ص 229)

در تکمله الأصناف چنین آمده است: «التمثال: صُورَت، و بت، و تندیسه، التمثیل ج.» (الادیب الکرمنی، 1385، ص 69) و در القاموس الفقهي در این خصوص می‌گوید: «التمثال: نقش صورة الاشياء، أو الاشخاص علی لوح، أو حائط، أو نحوهما.» (سعیدی، 1367، ج 1، ص 218) تمثیل جمع تمثال و در لغت به معنای پیکر و تندیس است و «مِثْلُ الشئ» یعنی آن را به تصویر کشید به طوری که گویی تصویر به او نگاه می‌کند. (صابونی، ج 2، ص 421) در صحاح اللغه نیز آمده است: «والتمثال: الصورة، والجمع التمثال» یعنی تمثال همان صورت است و جمع آن تمثیل است. (جوهری، 1984 م.، ج 5، ص 1816)

در روایات، لفظ صورت و تمثال، هم بر مجسمه و هم بر نقاشی موجودات جاندار و بیجان اطلاق شده است. فقها نیز علی‌رغم این که در بحث از این دو واژه هریک را به گونه‌ای متفاوت با دیگری معنی کرده‌اند، در مقام استعمال، واژه صورت و تمثال را طوری استعمال کرده‌اند که در هیچ یک از معانی خاص ظهور ندارند و تنها با قرینه می‌توان منظور از آن را فهمید. در مورد مجسمه سازی در آیات قرآن کریم و اخبار و روایات و همچنین فتاوی فقها، کلمات «صورت»، «تصویر»، «مثال» و «تمثال» به کار رفته است. فقها برای آن که میان مجسمه سازی و نقاشی تفاوت قائل شوند، انواع تصویر صورتگری را به پنج قسم مشهور آن عبارتند از:

1. تصویر موجودات جاندار در قالب مجسمه، پیکرتراشی و تندیس؛
2. تصویر موجودات با روح به گونه نقش و عکس بر روی کاغذ، دیوار و پارچه؛
3. تصویر موجودات بی روح به شکل مجسمه و تندیس؛

4. تصویر موجودات بی روح به صورت نقاشی و عکاسی.
5. صرف رنگ آمیزی و نقش و نگاری به صورت خطوط متوازی و یا مربع شکل و ... بدون این که نمودار شکل و صورت موجود جاندار یا بی جان از قبیل انسان یا درخت باشد. (موضوع شناسی فقهی مجسمه و نقاشی، ص 35)

برخی فقیهان از نظرات اهل لغت چنان برداشت کرده اند که لغویان صورت و تمثال را به یک معنی گرفته اند، مانند فاضل هندی که می گوید: «معروف و مشهور، چنان که در کتاب های لغت آمده این است که تماثل و تصاویر، یک معنی دارند.» شهید ثانی در شرح لمعه چنین می گوید: «و امکان دارد از صورت، معنایی که شامل تمثال بشود، اراده گردد. و ذکر هر دو، یعنی هم تمثال و هم صورت، تفنن در تعبیر است.» (همان، ص 54) اما این فقیهان قائل به عکس نظریه لغویان بوده و تمثال را اعم از صورت معنی می کنند. گروهی دیگر از فقها نیز بر این نظر قائلند که بین صورت و تمثال، عموم و خصوص من وجه است. شهیدی در حاشیه مکاسب چنین می گوید: «مخفی نماند که پس از توجه به موارد استعمال هر یک از صورت و تمثال در معنای دیگری در اخبار، معلوم می شود که آن دو مانند فقیر و مسکین هستند که هر گاه با هم ذکر شوند، دو معنای مختلف می دهند و هر گاه جدای از یکدیگر ذکر شوند، یک معنی دارند. (همان، ص 56)

فتوای فقههای شیعه درباره مجسمه سازی

نظرات فقههای امامیه در این خصوص را می توان به پنج دسته عمده تقسیم نمود که عبارتند از:

1. حرمت تصویرسازی به صورت مطلق، چه به صورت مجسمه و چه به صورت منقوش، خواه موجودات جاندار باشد یا بی جان. این نظر به ابوصلاح حلبی و قاضی بن براج نسبت داده شده است.
2. جایز بودن تصویر سازی مطلقاً، چه به صورت مجسمه و چه به صورت منقوش و خواه موجودات جاندار باشد یا بی جان. این نظر عکس نظر قبل می باشد. این نظر را شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی و جمعی از فقههای متقدم و معاصر برگزیده اند.
3. فقط حرمت مجسمه سازی، چه موجودات با روح باشد و چه موجودات بی روح.

4. حرمت تصویر موجودات جاندار، خواه به صورت مجسمه باشد، یا نقش و یا عکس. این نظر ابن ادریس و محقق کرکی می باشد.

5. حرمت مجسمه حیوانات جاندار. این رأی مورد اتفاق اکثریت فقها بوده و حتی بر آن ادعای اجماع شده است. (همان، ص 37)

شهید ثانی(ره) در شرح لمعه می گوید: « ساختن صورت های مجسم از موجودات دارای روح نیز حرام است. مصنف(ره)² با آوردن قید مجسم از صورت های نقش شده بر روی چیزهایی مانند بالش و کاغذ (نقاشی کردن) احتراز جست، ولی به نظر ما قول قوی تر، حرام بودن صورت سازی است مطلقاً (خواه به نحو مجسم باشد و خواه نقاشی کردن. البته احتمال دارد مصنف رحمه الله نیز همین را اراده کرده باشد، به این شکل که مجسمه را صفت چیزی که از آن صورت برداری شده قرار دهیم نه صفت صورت شیء.» (شهید ثانی، ج 6، ص 29-30)

صاحب جواهر(ره) و شیخ انصاری(ره) تصریح کرده اند که در فتوای فقها و نیز نص روایات، در حرمت مجسمه سازی اختلافی وجود ندارد. صاحب جواهر در این باره آورده است: بلکه اجماع منقول و محصل بر حرمت مجسمه سازی وجود دارد، بلکه اجماع منقول در حد استفاضه نقل شده است. (نجفی، 1404 ق، ج 22، ص 41) علامه حلی(ره) در کتاب «مختلف الشیعه فی احکام الشریعة» چند تن از فقها را نام می برد که تصریح به حرمت مجسمه سازی کرده اند. از آن جمله شیخ مفید، ابن ادریس، سلار، ابن بزّاج و... میباشند. (علامه حلی، ج 5، ص 13 و 14)

شیخ انصاری(ره) در کتاب المکاسب، در بخش مکاسب محرمة پیکره هایی که برای پرستش ساخته شده باشند را بدعت شمرده و از جمله آن ها بت و صلیب را نام می برد و می گوید: اختلاف نظر آشکاری میان فقها در حرمت کسب با این ها نیست، بلکه ظاهراً بر حرمت آن اجماع وجود دارد.» ایشان روایاتی را نیز به عنوان دلیل و مؤید نظر خود بیان نموده اند، من جمله: «... و امام علیه السلام فرمود: خداوند هر صناعتی را که تمام آن حرام است و از آن فساد محض به وجود می آید حرام کرده، مانند: نی ها، بربط ها، هر آن چه با آن اعمال لهُو انجام می شود، صلیب ها و بت ها، تا آن جا که فرمود: آموختن و آموزاندن و عمل به این امور و گرفتن دستمزد بر انجام آن و هر

² منظور شهید اول است.

تصرفی در آن از هر گونه حرکات که باشد، حرام است.»
(انصاری، ص 174)

استفتائاتی درباره مجسمه سازی از مراجع تقلید معاصر شیعه

فتوای حضرت امام خمینی(قدس سره):
ساختن مجسمه ذی روح جایز نیست.

فتوای رهبر معظم انقلاب درباره ساخت و نگهداری مجسمه

س 1222: ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری و ارائه آن ها در نمایشگاه چه حکمی دارد؟

ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم موجودات بی روح اشکال ندارد و همچنین نقاشی و ترسیم چهره موجودات ذی روح، اگر بدون برجستگی باشد و یا مجسمه آن ها که به صورت غیر کامل باشد، اشکال ندارد، ولی ساخت مجسمه انسان یا سایر حیوانات به صورت کامل اشکال دارد. اما خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

س 1223: در روش تحصیلی جدید، درسی با عنوان اعتماد به نفس وجود دارد که بخشی از آن مخصوص مجسمه سازی است، بعضی از معلمان به دانش آموزان دستور ساخت عروسک یا مجسمه سگ یا خرگوش و امثال آن را از پارچه یا چیز دیگری به عنوان صنایع دستی می دهند، حکم ساخت اشیاء مذکور چیست؟ امر معلمان به دانش آموزان راجع به ساخت آن ها چه حکمی دارد؟ آیا کامل بودن یا نبودن اجزای آن ها در حکم تأثیر دارد؟

اگر به نظر عرف به عنوان مجسمه حیوانی که اجزای آن کامل است، محسوب نشود و یا دانش آموزان به سن تکلیف نرسیده باشند، اشکال ندارد.

س 1225: آیا ساخت عروسک و یا مجسمه موجودات ذی روح اعم از انسان یا غیر آن به وسیله دستگاه مخصوص آن جایز است؟

اگر ساخت مجسمه بوسیله دستگاه، مستند به فعل مستقیم انسان نباشد، اشکال ندارد در غیر این صورت اشکال دارد.

س 1226: ساخت زیور آلات بصورت مجسمه چه حکمی دارد و آیا موادی که مجسمه‌ها از آن‌ها ساخته می‌شوند، در حکم به حرمت تأثیر دارند؟

ساخت مجسمه موجودات ذی روح در صورتی که مجسمه کامل بوده و یک نفر آن را بسازد اشکال دارد و در این مورد فرقی بین موادی که مجسمه از آن‌ها ساخته می‌شود وجود ندارد و همچنین تفاوت نمی‌کند که برای زینت بکار می‌روند یا برای غیر آن.

س 1227: آیا بازگرداندن اعضای عروسک مانند دست و پا و سر، مشمول حکم حرمت مجسمه‌سازی است؟ و مجسمه‌سازی بر آن صدق می‌کند؟

مجرد ساخت اعضا یا بازگرداندن آن‌ها، ساخت مجسمه محسوب نمی‌شود و بنابراین اشکال ندارد، بلکه متصل کردن اعضا تا تکمیل شکل حیوان ذی روح اعم از انسان و غیر آن، عمل مجسمه سازی محسوب می‌شود.

همچنین در پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری ، در بخش استفتائات جدید این سوال و جواب موجود است:

س: ساختن مجسمه همچنین تندیس‌های شهداء و نصب آن در میادین چه حکمی دارد؟

ج) مانع ندارد. (www.khamenei.ir)

آیت الله مکارم شیرازی:

1. سؤال: مجسمه سازی تمام تنه یا نیم تنه انسان یا حیوان چه حکمی دارد، نقاشی آن‌ها چگونه؟

پاسخ: مجسمه سازی اشکال دارد و نقاشی جایز است.

2. سؤال: از آن‌جا که رشته نقاشی و مجسمه سازی در تعدادی از دانشگاه‌های ایران اسلامی تدریس می‌شود، این رشته‌ها چه حکمی دارد؟

پاسخ: رشته نقاشی اشکالی ندارد.

3. سؤال: ساخت و نگهداری و استفاده از اسکلت‌های انسان جهت آموزش پزشکی چه حکمی دارد؟ آیا احکام مجسمه بر آن بار می‌شود؟

پاسخ: احکام مجسمه ندارد، و به مقدار ضرورت می‌توان از آن استفاده کرد.

4. سؤال: خرید و فروش مجسمه‌هایی که از گچ یا مواد دیگر ساخته می‌شود و به عنوان اسباب بازی و یا برای نگهداری در منازل به کار می‌رود، چه حکمی دارد؟ مثل

انواع عروسکها و سگها و گربه ها و مرغها که از گچ یا مواد ساخته می شود؟

پاسخ: هرگاه به صورت اسباب بازی باشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که از آن ها برای تزیین استفاده نشود.

5. سؤال: آیا حرمت نقاشی و مجسمه سازی به دلیل برداشت شرک آمیز از آن ها و جنبه بت پرستی آن است؟ در این صورت امروز که این امور ذهنیت بت پرستی را در عموم مردم ایجاد نمی کند و به عنوان هنر شناخته شده و به کار گرفته می شود، پرداختن به آن چه حکمی دارد؟

پاسخ: مجسمه سازی و خرید و فروش آن در هر حال اشکال دارد مگر در مواردی که جنبه اسباب بازی دارد.

6. سؤال: آیا نگهداری مجسمه ای که شکل انسان دارد در خانه گناه است؟

پاسخ: اگر به شکل تندیس کامل باشد جایز نیست.

- استثنائات مجسمه سازی

سؤال: لطفاً به سؤالات زیر پیرامون مجسمه سازی پاسخ فرمایید:

الف) اگر برای بزرگداشت خاطره شهیدان در یکی از میادین شهر، نمادی از شهید ساخته شود، چه حکمی دارد؟

ب) آیا جایز است تندیس سربازی ساخته شود که در حال تیر اندازی به سوی دشمن است؟

ج) آیا می توان برای نشان دادن تجاوز و دیو سیرتی استکبار (مثلاً نسبت به مردم شهر حلبچه، که مظلومانه توسط بمب شیمیایی از بین رفتند) به همان صورت با ساختن مجسمه هایی آن را بازسازی کرد؟

د) اگر انسانی که سر به سجده برده، و خدا را پرستش می کند ساخته شود، اشکال دارد؟

ه) آیا ترمیم آثار باستانی مانند نقوش برجسته، یا مجسمه هایی که از ادوار پیش باقی مانده، دارای اشکال است؟

پاسخ: ساختن مجسمه از نظر شرع اسلام اشکال دارد؛ ولی امور زیر را می توان استثنا کرد:

- 1- نقوش برجسته که در گچکاری و کنده کاری و قلمکاری و مانند آن ها دیده می شود.
- 2- عروسک ها و آنچه جنبه بازیچه دارد.
- 3- مجسمه هایی که برای فریب دشمن ساخته، و در مناطقی گذاشته می شود، و از نظر جنگی ضرورت دارد.
- 4- مجسمه هایی که از قطعات متعددی تشکیل یافته، و در طبّ برای تعلیم مسائل مختلف به کار می رود، و در بسیاری از موارد جانشین تشریح بدن انسان ها می گردد، و برای تعلیم این مسائل لازم به نظر می رسد.

5- رباط های کامپیوتری که جنبه سرگرمی و تفریح ندارند؛ بلکه در نیازهای زندگی بشری از آن ها بهره گیری می شود.

2- ساختن عروسک های تلویزیونی
سؤال: مشاهده شده که در برنامه های تصویری، عروسکی شبیه انسان درست می کنند، که در برنامه ها یا فیلم هایی که انسان واقعی در آن نقش دارد و تکلم می کند، به علی آن عروسک دارای تکلم وارد می شود، و همراه انسان های واقعی نقش ایفا می کند، و شبیه آن ها تصمیم می گیرد، و تکلم می نماید. ساختن چنین برنامه هایی چه حکمی دارد؟
پاسخ: مجسمه سازی اشکال دارد؛ ولی اگر از قبیل عروسک و بازیچه باشد، خواه نقشی بازی کند یا نه، اشکالی ندارد.
(makarem.ir)

آیت الله فاضل لنکرانی:

س- ساختن مجسمه چه حکمی دارد؟

ج: حرام است.

(فاضل لنکرانی، س 1015)

س- آیا ساختن مجسمه و عروسک، به وسیله خمیر توسط کودکان و یا خریدن آن برای کودک اشکال دارد؟

ج: کودکان مکلف نیستند و امور مذکوره نسبت به آن ها مانعی ندارد. (همان / 1016)

آیت الله گلپایگانی(ره):

ساختن مجسمه حرام است، ولی خرید و فروش آن بعید نیست که جایز باشد، اگر چه احتیاط در ترک آن است.

آیت الله خوئی(ره):

ساختن مجسمه جاندار بلکه نقاشی آن نیز حرام است، ولی خرید و فروش آن مانعی ندارد، اگر چه احوط ترک است.

آیت الله تبریزی(ره):

ساختن مجسمه جاندار بنابر مشهور حرام است و نقاشی آن جایز است و خرید و فروش آن مانعی ندارد، اگر چه احوط ترک است. (www.tabrizi.org)

آیت الله سیستانی:

بنابر نظر ایشان ساختن مجسمه جاندار بنا بر احتیاط حرام است، ولی خرید و فروش آن مانعی ندارد؛ و اما نقاشی جاندار جایز است.

ایشان فرموده اند: «یحرم تصویر ما یكون وسیله عادیه لعمل محرم كالاصنام ونحوها سواء كان للانسان او حیوان او غیرهما، وكذا یحرم تصویر شخص تخلیفاً لذاکره وتعظیماله»

مفهوم فتوا این است که ساخت مجسمه برای ترویج باطل، کفر و شرک و بت پرستی و سوق دادن مردم به عصر جاهلیت حرام است ولی اگر ساختن مجسمه مروج فرهنگ بت پرستی نباشد، اسلام آن را حرام نمی داند. (www.sistani.org)

آیت الله وحید خراسانی:

ساختن مجسمه جاندار حرام است، و همچنین نقاشی آن بنا بر احتیاط حرام است، و خرید و فروش و نگهداری آن جایز است، اگر چه احوط ترک است. (wahidkhorasani.com)

آیت الله شبیری زنجانی:

ساختن مجسمه جاندار حرام است و همچنین نقاشی جاندار بنا بر احتیاط حرام است، ولی خرید و فروش آن مانعی ندارد هر چند احتیاط استحبابی در ترک آن است. (www.zanjani.ir)

آیت الله بهجت (ره):

ساختن مجسمه موجودات جاندار حرام است اما نگهداری آن برای مقاصد غیر حرام بنا بر اظهر جایز است و نیز معامله به همین مقصود مانعی ندارد، اگر چه احتیاط مستحب در ترک آن است. و نقاشی موجودات جاندار بنا بر اظهر حرام نیست، اگر چه احتیاط در ناقص یا جدا کشیدن آن است. (www.bahjat.org)

آیت الله صافی گلپایگانی:

ساختن مجسمه حرام است و احتیاط واجب ترک خرید و فروش آن است. (www.saafi.net)

(این استفتائات برگرفته از کتاب مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، رساله های عملیه و همچنین سایت های این بزرگان می باشد.)

نظر علمای اهل سنت در مورد مجسمه سازی:

جزیری در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه خود می‌نویسد: «صورت یا صورت غیر حیوان است همچون خورشید و ماه و درخت یا صورت حیوان، اعم از عاقل و غیرعاقل. قسم اول بالاتفاق جائز است، اما قسم دوم محل خلاف است.» ایشان سپس به بیان موارد اختلاف و اقوال می‌پردازد و می‌نویسد: «مالکیه می‌گویند که تصویر با چهار شرط حرام است: اول اینکه صورت حیوان باشد چه عاقل و چه غیرعاقل، دوم اینکه دارای جسد باشد، سوم اینکه اعضایش کامل باشد مگر عضوی که زنده ماندن وابسته به آن نیست، چهارم اینکه سایه داشته باشد.»

شافعیه می‌گویند تصویر غیرحیوان مثل درختان، کشتی‌ها، خورشید و ماه جایز است، اما تصویر حیوان اعم از عاقل و غیرعاقل جایز نیست. حنابله می‌گویند تصویر غیرحیوان جایز است، اما تصویر حیوان جایز نیست، مگر اینکه بر زیراندازی که پا می‌خورد یا بر پشتی که تکیه داده می‌شود نقش بسته باشد؛ اما اگر مجسمه باشد در صورتی مباح است که اعضای اصلی را که زندگی حیوان بدون آن‌ها ممکن نیست از بین ببریم. نووی، از بزرگان مذهب شافعی، دایره حرام بودن نقاشی و مجسمه سازی را بسیار گسترده می‌داند و چنین می‌نویسد:

«فتوای پیروان شافعی و دیگر عالمان دینی این است: نقاشی چهره حیوان، بی‌چون و چرا حرام است؛ زیرا در روایات، وعده عذاب شدید الهی داده شده است. فرقی نمی‌کند که این نقاشی در وسیله مورد استفاده کشید شده باشد و یا فقط جنبه تزیینی داشته باشد و فرقی نمی‌کند که نقاشی بر روی لباس، یا فرش، درهم، دینار، ظرف و دیوار و همانند اینها باشد. در هر صورت حرام است؛ چرا که به مفهوم همانندی با آفریدگاری خداوند است، لیکن نقاشی درخت و پالان شتر و جز اینها که جاندار نیستند، حرام نیست. این، نسبت به اصل صورتگری و نقاشی.»

اما استفاده از ابزار و چیزهایی که نقاشی چهره حیوان بر روی آن‌ها انجام گرفته است، دو صورت دارد: اگر بر دیوار آویخته و یا در لباس کهنه و مانند آن باشد که استفاده نمی‌شوند، حرام است و اگر در فرشی که زیر پا گسترده می‌شود و یا متکایی باشد که مورد استفاده قرار می‌گیرند، حرام نیست.» حاصل فتوای ایشان این است که اگر به صورت تزیینات استفاده شود حرام است وگرنه حرام نیست. در تمام این موارد فرقی بین نقاشی و مجسمه نیست.

در پایان می افزاید:

«این بود خلاصه فتوای ما در این موضوع و به همین مضمون تمام علماء، صحابه و تابعان و پس از آن ها، فتوا داده اند. فتوای ثوری، مالک، ابوحنیفه و دیگران نیز همین است.»

حنفیه معتقدند تصویر غیرحیوان جایز است؛ تصویر حیوان نیز اگر بر روی زیرانداز یا بالش یا فرش یا کاغذ و پول باشد جایز است، همچنین در غیر این صورت به شرط ناقص بودن اعضای رئیسه حکم به جواز می‌شود و به هر حال چنانچه «صورت» در مکان محترمی قرار داده شود و اعضایش نیز کامل باشد جائز نخواهد بود.»

چنانکه ملاحظه شد هر چهار فرقه در حرمت ساختن مجسمه ذی‌روح اتفاق نظر دارند ولی به نقل جزیری برخی از فقهای اهل سنت بین مجسمه‌های ساخته شده برای غرضی ضروری همچون بازی کودکان دختر و غیر آن تفاوت قائل شده‌اند و در اولی حکم به جواز کرده‌اند و مستند آن‌ها حدیثی است که دلالت دارد عایشه که در بدو ازدواج با پیامبر کودکی شش ساله بوده اسباب بازی مجسمه داشته و همراه با همبازی‌های خود با آن‌ها بازی می‌کرده است. قرطبی نیز از گروهی از علماء قول به جواز مطلق مجسمه، اعم از حیوان و غیرحیوان را نقل می‌کند و در این خصوص به فتوای مکی در هدایة - و پیش از او نحاس - اشاره می‌کند و مستمسک ایشان را آیه: «یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل و...» (سباء/13) و آیه: «... انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر...» (آل عمران/49) برمی‌شمرد. (الهامی، 160-161)

شماری از فقیهان گذشته، بین مجسمه و نقاشی فرق گذاشته و گفته‌اند: «صورتگری به گونه مجسمه که سایه می‌اندازد حرام است، اما نقاشی ساده، حرام نیست.» ولی زهری می‌گوید: «صورتگری به طور مطلق حرام است. همچنین استفاده از چیزهایی که صورتگری در آن‌ها انجام شده و نیز وارد شدن به خانه‌ای که این‌ها در آن جا نگهداری می‌شوند، چه به صورت نقاشی بر روی لباس باشد و یا به صورت مجسمه و باز تفاوتی نیست که نقاشی بر روی دیوار و لباس و فرش باشد که مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا بر روی چیزهایی باشند که تنها جنبه تزئینی دارند. همگی حرام هستند.» (وافی، ص 263)

شیخ محمد علی صابونی از مفسرین اهل سنت می گوید: «دین اسلام، دین یکتاپرستی و دشمن شرکت است و در اسلام بالاتر از شرکت، گناهی وجود ندارد. به همین دلیل هم اسلام بت پرستی را به شدت مورد حمله قرار داده و شریعت اسلام مجسمه ها را حرام نموده، زیرا منجر به آن کار زشت می شود. در سنت مطهر نیز تصویر و تصویرگران مورد سرزنش و نکوهش واقع شده اند و در آن از اتخاذ تصاویر نهی شده و مردم از آن بازداشته شده اند، به همین دلیل، این مسأله ای قطعی است که اسلام مجسمه و تصاویر را به صورت جازم و قاطع حرام کرده است. احادیث فراوانی بر تحریم چنین چیزهایی دلالت دارند، به طوری که تقریباً به حد تواتر می رسند. (صابونی، ج 2، ص 433)

وی پس از بیان روایات دال بر تحریم مجسمه سازی می گوید: «این نصوص و امثال آن ها که بسیار هم می باشند، به صورت قاطع بر تحریم تصویر دلالت دارند. هر کس هم در اسلام به تحقیق پرداخته باشد، به صورت یقینی در می یابد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصویر و خرید و فروش آن را حرام کرده اند و از این بابت آن چه را که می یافتند، خرد و نابود می کردند و تهدید شدیدی نیز برای تصویرگران وارد شده است و ائمه مذاهب بر تحریم تصویر اتفاق نظر دارند و کسی در این باره مخالفت نکرده است، اما بعضی از علما چیزهایی را از آن استثناء کرده اند.» (همان، ج 2، ص 436)

شیخ محمد علی صابونی انواع تصاویر و مجسمه های حرام را شامل 1. مجسمه شیء دارای روح؛ 2. تصویر شیء دارای روح که با دست به تصویر کشیده شده باشد؛ 3. تصویری که به صورت کامل خلق شده و تنها فرقی که با جاندار واقعی داشته باشد، بی جان بودن آن است؛ 4. تصویری که بارز و آشکار و بیانگر تعظیم بوده و به دیوار آویزان شده باشد؛ می شمرد که تمام این انواع به اتفاق نظر همه ائمه اهل سنت حرام می باشد. (همان، ج 2، ص 438-440)

ایشان همچنین تصاویر و مجسمه های مباح را شامل 1. تصاویر و تمائیل اشیای فاقد روح مانند جمادات، رودخانه ها، درختان و ...؛ 2. تصاویری که هیأت متصل نداشته باشند مانند تصویر دست، چشم و ...؛ 3. اسباب بازی کودکان و عروسک دخترچه ها؛ می داند که از تحریم استثناء می شوند. (همان، ج 2، ص 440 - 441)

وی سپس اقوال عده ای از علمای اهل سنت را در خصوص مجسمه سازی بدین شرح بیان می کند:

«قاضی ابن العربی می گوید: مقتضای احادیث بر ممنوعیت تصاویر دلالت دارد ...»

ابوحیان می گوید: تصویر در شریعت ما حرام است و تهدید شدیدی هم بر تصویرگران وارد شده است. ابن عطیه می گوید: کسی از ائمه علم را سراغ ندارم که آن را جایز دانسته باشد.

آلوسی می گوید: در حقیقت، تصویر حیوان به طور کامل در شریعت سلیمان (علیه السلام) حرام نبود، بلکه فقط در شریعت ما به طور کامل حرام شد و به نظر ما تفاوتی نیست میان این که این تصویر دارای سایه باشد (یعنی مجسمه باشد) یا مثلاً نقاشی شده بر روی کاغذ یا دیوار باشد.

قرطبی می گوید پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصویرگران را لعنت کرده و کسی را هم استثناء نکرده است.

علامه ابن حجر در شرح صحیح بخاری می گوید: نتیجه این که اگر تصاویر دارای جسم باشند، با اجماع حرام هستند.» (همان، ج 2، ص 441-443)

ادله مجسمه سازی در آیات و روایات

در بررسی مستندات فتاوای علما و فقها در خصوص مجسمه سازی، به دو دسته از مستندات پرداخته می شود که گروه اول مشتمل بر آیات کلام وحی و گروه دوم شامل احادیث و روایات منقول از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه المعصومین (علیهم السلام) می باشد.

گروه اول: آیات

1. ... وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصْبِ وَأَنْ تُسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ... (مائده/3)

ترجمه: ... و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آن ها) ذبح شوند (همگی) بر شما حرام است و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان بوسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمائی، تمام این اعمال فسق و گناه است ...

شأن نزول آیه:

این آیه در حجه الوداع در محل غدیر بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده است و دلالت دارد بر این که حیواناتی که در مسیر شرک و بت پرستی قربانی می شوند و مانند آن ها چون از نظر معنوی ناپاکند، تحریم شده اند.

شیخ طوسی (ره) گوید: از امامین باقر و صادق علیهما السلام روایت گردیده که این آیه بعد از نصب امام علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت در روز بعد از برگشتن از انجام مناسک حج در سال حجة الوداع نازل گردیده است و طاووس بن شهاب و شهر بن حوشب و اکثر مفسرین برآنند که این آیه در عرفه حجة الوداع نازل شد. حنش از ابن عباس روایت کند که تولد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روز دوشنبه بوده و خروج از مکه نیز روز دوشنبه بوده و ورود به مدینه نیز در روز دوشنبه بوده و سوره مائده هم در روز دوشنبه نازل گردیده و این آیه هم در روز دوشنبه نازل شده است. ربیع بن انس گوید: این آیه در مسیر حجة الوداع نازل گردیده است. (طبرسی، ج3، ص 231)

الأزهري در ضمن بیان شأن نزول این آیه گفته است: « پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از فتح مکه، مجسمه ای از حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) را در خانه کعبه مشاهده نمودند که در دست هایشان کاسه هایی بود که مردم زمان جاهلیت، اعتقادی خرافی نسبت به آن داشتند. ایشان بعد از مشاهده چنین صحنه ای، با ناراحتی فرمودند: «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّهُمَا لَمْ يَسْتَقْسِمَا بِهَا قَطُّ» یعنی «خداوند، طراحان این مجسمه ها را به هلاکت برساند. قسم به خدا، آنان نیز می دانند که این دو پیامبر الاهی، هرگز به چنین کاری اقدام نکرده اند.» (ابن منظور، ج12، ص 479)

(نصب) یعنی قرار دادن چیزی در جای بلند و برجسته و (نصب) و جمع آن (نصب) به معنای سنگی است که در جاهلیت آن رامی پرستیده اند و گرداگرد کعبه نصب می کردند و حیوانات خود را برای آن و بر روی آن ذبح می نمودند. (طباطبایی، ج7، ص 270)

در این آیه از قربانی نمودن در برابر انصاب که نوعی از بت ها بودند و در زمان جاهلیت مورد پرستش واقع می شدند، نهی شده است و در این نهی دلالت بر حرمت پرستش بت

وجود دارد و آن چه که پرستش آن حرام است و در جهت عمل حرام قرار می گیرد، هر گونه عمل مرتبط با آن نیز یاری نمودن در اثم می باشد و لذا حرام می باشد که یکی از این موارد ساخت بت و خرید و فروش آن است که قابل تسری بر هرگونه مجسمه است زیرا می توان آن را از مصادیق بت دانست.

2. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.
(مائده/90)

« ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بت ها و ازلام (که یک نوع بخت آزمایی بوده) پلیدند و از عمل شیطانند از آن ها دوری کنید تا رستگار شوید.»

شأن نزول:

این آیه در مدینه و قبل از جنگ احد بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه گردید، اهل مدینه شراب می خوردند و قمار می کردند. از پیامبر در این باره سؤال نمودند آیه 219 سوره بقره «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» نازل گردید. بعد از نزول این آیه مردم گفتند: خداوند شراب و قمار را بر ما حرام نکرده، فقط گفته است که گناهی بس بزرگ است. لذا به شرب خمر و بازی قمار ادامه می دادند تا این که روزی مردی از مهاجرین با حالت مستی به نماز ایستاد و عده ای به او اقتدا کردند. مرد مهاجر به علت مستی، سوره نماز را به غلط ادا کرد سپس آیه 43 سوره نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى» نازل گردید و بعد این آیه و آیه 91 نزول یافت. هشام بن سالم گوید: پس از نزول این آیه پیامبر دستور داد تمام ظرفی را که با آن شراب می خوردند نزد او در بیرون مسجد جمع آوری کرده و شکستند سپس دستور فرمود که مردم برای جنگ احد آماده شوند. (محقق، ص 313)

شراب و قمار و هم چنین بت پرستی و ازلام، همگی به عنوان رجس و پلیدی شمرده شده اند (انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس) و تمام این اعمال جزء اعمال شیطانی قلمداد شده است (من عمل الشيطان). سرانجام

فرمان قاطع برای اجتناب از آن‌ها را صادر کرده و می‌فرماید (فاجتنبوه). « (مکارم شیرازی، ج 5، ص 75)

در تفسیر المیزان در خصوص این آیه چنین آمده است: « میسر عبارتست از جمیع انحاء قمار، و انصاب عبارتست از همان بت‌ها و یا سنگ‌هایی که برای ذبح قربانی‌ها در اطراف خانه کعبه نصب می‌کرده‌اند، سنگ‌هایی بوده که مردم به آن تبرک می‌جسته و درباره آن عقیده‌هایی داشتند. (طباطبایی، ج 6، ص 175)

با توجه به این که در این آیه دستور به دوری کردن از بت‌ها داده شده است و نزدیکی به آن‌ها و مشغولیت به آن، به طور مطلق مورد نهی واقع شده و از اعمال شیطان برشمرده شده است و بدین ترتیب از اطلاق کلام می‌توان حرمت ساخت مجسمه را که بت‌سازی از جمله مصادیق آن است، داخل در منع این آیه قرار داد، زیرا از مطلق نزدیکی به بت‌ها نهی شده است و ساخت نیز از آن جمله می‌باشد.

3. ... وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأُذُنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأُذُنِي ... (مائده/110)

« ... و هنگامی که به فرمان من از گل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به فرمان من پرنده‌ای می‌شد ... »

این آیه در بیان مواهبی است که خداوند متعال به عیسی بن مریم (علیه السلام) عطاء فرموده است و یکی از این مواهب آن است که «از گل به فرمان من چیزی شبیه پرنده می‌ساختی سپس در آن می‌دمیدی و به اذن من پرنده زنده‌ای می‌شد.» (مکارم شیرازی، ج 5، ص 124)

نعمت دمیدن در مجسمه گلی پرنده و ذی‌روح شدن آن و شفا دادن کور مادرزاد و مریض جذامی از حیث آنکه لفظ (اذ) تکرار نشده است، ظهور دارد در اینکه خلقت پرنده و شفا دادن کور مادرزاد و جذامی همه به دنبال هم و بدون فاصله زمانی بوده و تکرار کلام (بأذنی) گویای عظمت مسأله خلقت و افاضه حیات است. (طباطبایی، ج 6، ص 261)

این آیه دلالت دارد بر این که توانایی حضرت عیسی (علیه السلام) در ساخت مجسمه‌های گلی به عنوان موهبتی از طرف خداوند متعال به وی بوده است و با اذن

پروردگار و به عنوان معجزه نبوت انجام می شده است و تمامی این امور جهت حفظ ایشان از شر آزارهایی بوده است که بنی اسرائیل قصد اجرای آن ها را داشته اند. پس نمی توان با این آیه به جواز مجسمه سازی برای تمامی افراد، آن هم با انگیزه های دنیوی، حکم نمود. پس این آیه با مفهوم مخالف خود دلالت بر حرمت مجسمه سازی دارد مگر برای آنان که از طرف پروردگار مأذون باشند.

4. وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ (آل عمران / 49)

« و رسولی به سوی بنی اسرائیل می فرستد که می گوید که من نشانه ای برای شما از جانب پروردگارتان آورده ام، من از گل برای شما چیزی به صورت پرنده می سازم، پس در آن می دمم که به اراده خداوند پرنده ای می گردد و»

از مفاد آیه فوق و آیات مشابه آن استفاده می شود که فرستادگان و اولیای خدا به اذن او می توانند به هنگام لزوم در جهان تکوین و آفرینش تصرف کنند و بر خلاف عادت و جریان طبیعی حوادثی به وجود آورند و این چیزی است بالاتر از ولایت تشریحی، یعنی سرپرستی مردم، که نام آن ولایت تکوینی است. (مکارم شیرازی، ج 2، ص 556) این آیه نیز مانند آیه قبل، جواز مجسمه سازی را مخصوص پیامبران، آن هم به عنوان معجزه و با اذن الهی، می داند و حکم این مسئله قابل تسری به آحاد افراد جامعه نمی باشد.

5. أَذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ. (سوره انبیاء، 52)

« به یاد آور هنگامی را که ابراهیم به پدر و قوم خویش گفت: این مجسمه هایی که شما آن را می پرستید، چیست؟»

مقصود حضرت ابراهیم (ع) از کلمه (این تماثیل) همان بت هایی است که به منظور پرستش و پیشکش قربانی نصب

کرده بودند، و پرسش آن جناب از حقیقت آن ها برای این بود که از خاصیت آن ها سر در آورد، چون این سؤال را در اولین باری که به داخل اجتماع قدم نهاد کرده، وقتی وارد اجتماع شده، اجتماع را اجتماعی دینی یافته، که سنگ و چوب هایی را می پرستیدند. (طباطبایی، ج 14، ص 419)

درست که ما از لفظ بت پرستی بیشتر متوجه بت های سنگی و چوبی می شویم، ولی از یک نظر بت و بت پرستی مفهوم وسیعی دارد که هر نوع توجه به غیر خدا را، در هر شکل و صورت شامل می شود، و طبق حدیث معروف هر چه انسان را به خود مشغول و از خدا دور سازد بت اوست. (مکارم شیرازی، ج 13، ص 433) بنابراین این آیه دلالت بر حرمت مجسمه سازی، که شبیه ترین عمل به بت سازی است، می نماید.

6. قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجُتُونَ. (صافات/ 95)

«او (ابراهیم) گفت: آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟»

این آیه ناظر به بت ها است و می گوید خدا هم خالق شما است و هم بت هائی که ساخته و پرداخته اید و لطف سخن نیز در همین است، چرا که بحث از بت ها بوده نه از اعمال آدمی. (مکارم شیرازی، ج 19، ص 101) در تفسیر سوره نور چنین آمده است: «هر هنری ارزش ندارد. در ساخت بت ها، مجسمه سازها هنرنامه‌هایی کرده بودند، اما حضرت ابراهیم (ع) آن ها را قلع و قمع کرد. آری، ابهت باطل باید شکسته شود گرچه برای آن باطل هزینه ها و هنرهایی به کار گرفته شده باشد. ظاهر شرك و خرافات قداست ندارند. «ضرباً بالیمین» (قرائتی، ص 46)

نکوهش حضرت ابراهیم (ع) نسبت به پرستش بت، مغضوبیت آن عمل را نزد پروردگار می رساند و این می رساند که در شریعت ابراهیم (ع) نیز بت سازی و بت پرستی مورد نهی می باشد. انسان موحد به اعمالی که نوعی تشبث به مشرکان باشد، اقدام نمی کند و ساخت مجسمه نیز یکی از این اعمال می باشد که یادآور بت سازی و بت پرستی مشرکان است. لذا با این آیه می توان به حرمت اعمال مشابه بت سازی و بت پرستی استناد نمود.

7. وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْيِهِمْ عَجَلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ
أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا
ظَالِمِينَ. (اعراف/148)

« و بیشتر قوم موسی پس از رفتن او به میقات خداوند از زیورهای خود گوساله ای، مجسمه ای که صدای گوساله داشت، ساختند. آیا نمی دیدند که آن مجسمه با آن ها سخن نمی گوید و آن ها را به راهی هدایت نمی کند؟ آن را به خدایی گرفتند در حالی که از ستمکاران بودند.»
يك معبود واقعی باید نيك و بد را بفهمد و توانائی بر راهنمائی و هدایت پیروان خود داشته باشد. چگونه عقل انسان اجازه می دهد که معبود بی جانی را که ساخته و پرداخته خود او است ، بپرستد، حتی اگر تبدیل به گوساله واقعی هم شده باشد، به هیچ وجه شایسته پرستش نیست. (مکارم شیرازی، ج 6، ص 373) نهی موجود در این آیه و مذمت بنی اسرائیل به خاطر پرستش گوساله، مفهوماً دلالت بر نهی از ساخت و توجه به مجسمه ها را می رساند، زیرا زمینه انحراف را در میان مردم به وجود می آورد. (طباطبایی، ج 8، ص 318-319)

8. يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ
وَظُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ
الشُّكْرُ. (سبأ/13)

« آن ها برای او هر چه می خواست از محرابه ها و تمثال ها و کاسه هایی چون حوض و دیگ های ثابت در زمین ، درست می کردند، گفتیم: ای آل داوود! شکر بگذارید، و بندگان شکرگزار من اندکند.»
در این که این مجسمه ها یا نقش ها، صورت های چه موجوداتی بودند و به چه منظور سلیمان دستور تهیه آن ها را می داد، تفسیرهای مختلفی شده است:
ممکن است این ها جنبه تزیینی داشته، همان گونه که در بناهای مهم قدیم، بلکه جدید ما نیز دیده می شود. ویا برای افزودن ابهت به تشکیلات او بوده است، چرا که نقش پاره ای از حیوانات چون شیر، در افکار بسیاری از مردم بهت آفرین است. یا مجسمه سازی موجودات ذی روح در شریعت سلیمان مجاز بوده، هر چند در اسلام ممنوع است. یا این که مجسمه هائی که برای سلیمان می ساختند از جنس غیر ذی روح بوده، مانند تمثال های درختان و

کوها و خورشید و ماه و ستارگان. و یا فقط برای او نقش و نگار بر دیوارها می زدند که در ظریف کاری های آثار باستانی بسیار دیده می شود و می دانیم نقش و نگار هر چه باشد، بر خلاف مجسمه حرام نیست. همه این ها محتمل است چرا که ممکن است تحریم مجسمه سازی در اسلام به منظور مبارزه شدید با مسأله بت پرستی و ریشه کن کردن آن بوده و این ضرورت در زمان سلیمان تا این اندازه وجود نداشته و این حکم در شریعت او نبوده است. (مکارم شیرازی، ج 18، ص 39)

ولی در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه نقل شده چنین می خوانیم: «والله ما هی تمائیل الرجال و النساء ولكنها الشجر و شبهه.» «به خدا سوگند تمثال های مورد درخواست سلیمان مجسمه مردان و زنان نبوده، بلکه تمثال درخت و مانند آن بوده است.» مطابق این روایت مجسمه سازی ذی روح در شریعت وی نیز حرام بوده است.» (همان، ج 18، ص 40)

اما در تفسیر سورآبادی، از تفاسیر اهل سنت، چنین آمده است: «... و تمائیل صورت های فریشتگان و رسولان بودی که وی را همی کردند و شیاطین همه آن بودند که رسولان را و فریشتگان را دیده بودند برهیئت ایشان سلیمان را تمائیل می کردند تا سلیمان را از دیدار ایشان عدت عبادت بودی، و در آن روزگار صورت کردن و در آن نگریستن حلال بود، و نیز سلیمان خواست که فرا خلق نماید که تمائیل را نباید پرستیدن که آن همه ساخته مخلوق است خدایی را نشاید ...» (سورآبادی، ج 3، ص 204) صابونی در تفسیر خود می گوید: «ظاهر آیه کریمه بر حلال بودن ساخت تندیس و مجسمه و پیکره و مباح بودن آن در شریعت سلیمان (علیه السلام) دلالت دارد.» (صابونی، ج 2، ص 432) فقها با استناد به این آیه نماز خواندن در لباس یا با انگشتر و یا با شمشیر دارای تصویر کراهت دارد. ابن ادریس این کراهت را به تصاویر حیوان اختصاص داده است و خواندن نماز در لباس دارای تصاویری مثل تصاویر درختان را مکروه نمی داند، زیرا از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است که آن تصاویر، تصاویری مثل تصاویر درختان بوده است. (باقریان ساروی، 1389، ص 126)

ممکن است عده ای با تمسک به این آیه در صدد حکم به حلیت مجسمه سازی برآیند و این گونه مطرح کنند که چگونه در شریعت سلیمان نبی (ع) مجسمه سازی جایز بوده و در شریعت اسلام مباح نمی باشد. ولی با مطالبی که بیان گردید، مشخص می باشد که مجسمه هایی که در زمان حضرت سلیمان (ع) و به دستور ایشان ساخته می شدند، از قسم مجسمه هایی بوده اند که ساخت آن ها در اسلام نیز جایز می باشد، از قبیل مجسمه درختان و مانند آن از موجودات بی روح. لذا فقها این آیه را نیز دز زمره مستندات حرمت مجسمه سازی ذکر می کنند.

روایات دال بر حرمت مجسمه سازی

برای اثبات حرمت مجسمه سازی به روایاتی استناد شده که برخی از آن ها به این شرح می باشد:

روایات منابع شیعی

1. مرحوم کلینی در اصول کافی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از مردی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که امام فرمود: **«من مثل تمثالا کلف یوم القيامة أن ینفخ فیه الروح؛ هرکس مجسمه ای بتراشد، روز قیامت او را مجبور می کنند که روح را در آن بدمد»**. (اصول کافی، ج 6، ص 527)
2. مرحوم صدوق در کتاب ثواب الاعمال از عبدالله بن مسکان از محمد بن مروان از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: **«ثلاثة یعذبون یوم القيامة: من صور صورة من الحيوان یعذب حتی ینفخ فیها...؛ سه دسته روز قیامت عذاب می شوند: دسته نخست کسانی هستند که حیوانی را به تصویر کشیده باشند: آنان به خاطر این کار عذاب می شوند تا زمانی که در آن روح بدمند (درحالی که از انجام چنین کاری عاجزند) و...»**. (شیخ صدوق، ص 223)
3. مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وآله از تصویر گری نهی کرده و فرموده است: **«من صور صورة کلفه الله یوم القيامة أن ینفخ فیها ولیس بنافخ؛ هرکس تصویری بکشد، خداوند او را در روز قیامت مکلف می سازد که روح در آن بدمد، در حالی که او از انجام این کار ناتوان است»** و در توضیح آن آمده است: **«و كذلك التصوير حمله الأكثر علی المجسمة»** یعنی کلمه تصویر را اکثر فقها بر مجسمه حمل نموده اند. (شیخ صدوق، ج 4، ص 5)

الصادق(ع) ، عن آبائه (عليهم السلام) - في حديث المناهي - قال : نهى رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن التصاوير ، وقال : من صور صورة كلفه الله تعالى يوم القيامة أن ينفخ فيها وليس بنافخ ، ونهى أن يحرق شيء من الحيوان بالنار، ونهى عن التختم بخاتم صفر أو حديد، ونهى أن ينقش شيء من الحيوان على الخاتم . « هر که مجسمه ای بسازد، در روز قیامت، خداوند از او می خواهد که در مجسمه اش، روح بدمد و او از این کار، ناتوان و عاجز خواهد ماند... » (حر عاملی، ج 17، ص 297، ح 22574)

9. شهید ثانی در کتاب منیه المرید از پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) روایت کرده که می فرماید: «أَنَّ اشدَّ الناس عذاباً يوم القيامة رجل قتل نبياً أو قتله نبياً أو رجل يضلُّ الناس بغير علم أو مصوِّر يصوِّر التَّمائيل.» « معذب ترین مردم در روز قیامت کسی است که پیامبری را بکشد یا به دست پیامبری کشته شود یا مردم را بدون آگاهی گمراه سازد یا مجسمه سازی و تصویرگری کند.» (بروجردی، ج 22، ص 456-457)

10. در مستدرک الوسائل روایت شده است که: «القطب الراوندي في لب اللباب: روي أنه يخرج عنق من النار فيقول: اين من كذب على الله؟ وأين من ضاد الله؟ وأين من استخف بالله؟ فيقولون: ومن هذه الاصناف الثلاثة؟ فيقول: من سحر فقد كذب على الله، ومن صور التصاوير فقد ضاد الله، ومن ترائنا في عمله فقد استخف بالله.» «... هر شخصی که مجسمه سازی می نماید، گویا با خداوند به مبارزه برخاسته است.» (نوری، ج 3، ص 454، ح 3976)

11. مرحوم کلینی در اصول کافی از امام صادق(علیه السلام) روایت می کند: «ثلاثة معذبون يوم القيامة: رجل كذب في روياء يكلف ان يعقد بين شعيرتين و ليس بعاقد بينهما، و رجل صور تماثيل يكلف ان ينفخ فيها و ليس بنافخ...» «سه دسته روز قیامت عذاب می شوند: نخست مردی که در نقل خوابش دروغ گوید. چنین شخصی را روز قیامت مجبور می کنند که بین دو دانه جو پیوند زند درحالی عاجز از انجام چنین کاری است و دوم شخصی که مجسمه هایی را می سازد و او را مکلف می کنند تا در آن ها روح را بدمد حال آن که توان آن را ندارد...» (کلینی، ج 6، ص 528)

روایات منابع اهل سنت

1. عَن ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) قَالَ: «إِنَّ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ هَذِهِ الصُّورَ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُقَالُ لَهُمْ: أَحْيَا مَا خَلَقْتُمْ» متفق عليه.
از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمودند: «آنان که این شکل را می سازند، در روز قیامت عذاب می شوند و به آنان گفته می شود: آن چه را که خلق کرده اید، زنده کنید.» (نووی، ص 597، 1/1678)

2. وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ سَقَرٍ وَقَدْ سَثُرَتْ سَهْوَةٌ لِي بِقِرَامٍ فِيهِ تَمَاثِيلٌ، فَلَمَّا رَأَتْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَوْنَ وَجْهَهُ وَقَالَ: يَا عَائِشَةُ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ، « قَالَتْ: فَقَطَعْنَا، فَجَعَلْنَا مِنْهُ وَسَادَةً أَوْ وَسَادَتَيْنِ. متفق عليه.

از عائشه روایت شده که گفت:

رسول الله (صلى الله عليه وآله) از سفری آمدند، در حالیکه دالان خانه ام را به پرده ای پوشانده بودم که در آن عکس های (جاندارى بود) و چون رسول الله (صلى الله عليه وآله) آن را دید، چهره اش دگرگون شد و فرمود: ای عائشه سخت ترین مردم از روی عذاب آنانی هستند که به آفرینش و خلقت خدا شبیه می سازند. گفت: سپس آن را بریده و از آن یک یا دو بالش ساختم. (همان، ص 597، 1/1679)

3. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صُورَتَهَا نَفْسٌ فَيُعَذِّبُهُ فِي جَهَنَّمَ» قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَإِنْ كُنْتُ لَا بُدَّ فَاعِلًا، فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوحَ فِيهِ. متفق عليه.

از ابن عباس روایت است که:

از رسول الله (صلى الله عليه وآله) شنیدم که می فرمود: هر صورتگر در دوزخ است و در برابر هر عکسی که کشیده موجودی برایش ساخته شده و او را در دوزخ شکنجه و عذاب می کند.

ابن عباس گفت: اگر حتماً این کار را می کنی، پس درخت و آنچه که روح ندارد، بساز. (همان، ص 597، 1/1680)

4. وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي الدُّنْيَا، كُفِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ» متفقٌ عليه.

از ابن عباس روایت است که:

از رسول الله (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: کسی که در دنیا تصویری درست کند، در روز قیامت مکلف می شود که در آن روح بدمد، در حالیکه توان آن را ندارد. (همان، ص 598، 5/1681)

5. و عن ابن مسعود قال: سمعتُ رسولَ الله (صلى الله عليه و آله) يقولُ: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمَصُورُونَ» متفقٌ عليه.

از ابن مسعود روایت شده است که گفت: شنیدم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: «مردمانی در روز قیامت بیشترین عذاب را می بینند که صورتگر هستند.» (همان، ص 598، 5/1682)

6. و عن أبي هريرة قال: سمعتُ رسولَ الله (صلى الله عليه و آله) يقولُ: «قال اللهُ تعالى: و من أظلمُ ممَّنْ ذهبَ يخلُقُ كخلقي! فليخلُقوا ذرَّةً أو ليخلُقوا حبةً، أو ليخلُقوا شعيرةً» متفقٌ عليه.

از ابوهریره روایت شده است که گفت: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: «خداوند متعال فرمود: چه کسی ستمگرتر از کسی است که می رود تا چیزی همچون آفریده من بیافریند؟ پس باید مورچه ای یا دانه ای یا جوی بیافریند.» (همان، ص 598، 6/1683)

7. و عن أبي طلحة أن رسول الله قال: «لاتدخلُ الملائكةُ بيتاً فيه كلبٌ و لاصورةٌ» متفقٌ عليه.

از ابوطلحه روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فرشتگان وارد خانه ای که در آن خانه سگ یا تصویر باشند، نمی شوند.» (همان، ص 598، 7/1684)

8. و عن ابن عمر قال: وَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَبْرِيلَ أَنْ يَأْتِيَهُ، فَرَأَتْ عَلَيْهِ حَتَّى اشْتَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَخَرَجَ فَلَقِيَهُ جَبْرِيلُ فَشَكَا إِلَيْهِ. فَقَالَ: إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ. رواه البخاري.

از ابن عمر روایت شده که گفت:

جبرئیل ((علیه السلام)) به رسول الله (صلی الله علیه وآله) وعده نمود که نزدش بیاید و زیاد تأخیر نمود و این امر بر رسول الله (صلی الله علیه وآله) گران آمده و بیرون شد و جبرئیل ((علیه السلام)) با او ملاقات نمود و پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او شکوه نمود و او گفت: ما به خانه ای که در آن سگ و تصویر باشد، وارد نمی شویم. (همان، ص 598-599، 7/1685)

9. وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: وَاعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَبْرِيْلَ (عليه السلام) فِي سَاعَةٍ أَنْ يَأْتِيَهُ، فَجَاءَتْ تِلْكَ السَّاعَةُ وَلَمْ يَأْتِهِ، قَالَتْ: وَكَانَ بِيَدِهِ عَصَا، فَطَرَحَهَا مِنْ يَدِهِ وَهُوَ يَقُولُ: « مَا يُخْلِِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَلَا رُسُلُهُ » ثُمَّ التَّفَّتْ، فَإِذَا جِزْءٌ كَلْبٍ تَحْتَ سَرِيرِهِ. فَقَالَ: « مَتَى دَخَلَ هَذَا الْكَلْبُ؟ » فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا ذَرَيْتُ بِهِ، فَأَمَرَ بِهِ فَأَخْرَجَ، فَجَاءَهُ جَبْرِيْلُ (عليه السلام): فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « وَعَدْتَنِي، فَجَلَسْتُ لَكَ وَلَمْ تَأْتِنِي » فَقَالَ: مَنَعَنِي الْكَلْبُ الَّذِي كَانَ فِي بَيْتِكَ وَ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ « رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

از عائشه روایت است که گفت:

جبرئیل (علیه السلام) به رسول الله (صلی الله علیه وآله) وعده داد که به ساعتی معین به دیدنش آید، ولی آن لحظه در رسید و وی نیامد! گفت: و در دست شان عصایی بود که آن را به زمین انداخت در حالی که می فرمود: خدا و پیام آورانش به وعدهء شان خلاف نمی کنند، و متوجه شده دیدند که توله سگی زیر تخت شان است و فرمود: این سگ چه وقت داخل شد؟

گفتم: و الله من از آمدنش خبر نشدم و دستور فرمود و از خانه بیرون کرده شد و بعد جبرئیل (علیه السلام) خدمت شان آمد و رسول الله (صلی الله علیه وآله) فرمود: به من وعده نمودی و نشستم، ولی نیامدی؟

گفت: سگی که در خانه ات بود، مانع ورودم شد، همانا ما به خانه ای که در آن سگ و تصویر باشد، داخل نمی گردیم. (همان، ص 599، 7/1686)

10. وَعَنْ أَبِي الْهَيْجَاجِ حَيَّانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَلَا أَبْعَثُكَ عَلَيَّ مَا بَعَثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْ لَا تَدْعَ صُورَةً إِلَّا أَطْمَسْتُهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

از ابو هیاج حیان بن حصین روایت شده که گفت: علی(علیه السلام) برایم گفت: آیا نفرستم ترا به آنچه رسول الله (صلی الله علیه و آله) مرا بر آن فرستاد؟ اینکه هیچ تصویری را نگذاری، مگر اینکه محوش کنی و قبر بلندی را نیابی، مگر اینکه هموارش گردانی. (همان، ص 599، 7/1687)

اهل سنت بالاخص وهابی ها با استدلال به این روایت به تخریب قبور اقدام کرده و زیارت اهل قبور، بالاخص زیارت قبور ائمه هدی (علیهما السلام) توسط شیعیان را، شرک و در حکم بت پرستی می دانند در حالی که از دیدگاه قرآن حرم سازی و ساختن بنا بر قبور صالحان يك امر مشروع و محبوب خداوند متعال است، مانند آیه قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَنْخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (کهف/ 21): چون بعد از این قضیه اگر ساختن مقبره برای صالحان شرک و بت پرستی بود، خداوند می بایست اشاره ای می نمود. وهابی ها نه تنها از آیات قرآن هیچ دلیلی ندارند، بلکه دلیل قرآن بر خلاف نظر اینها است و همانطور که ذکر شد، عمدتاً به حدیث ابي الهیاج استناد می کنند که یکی از راویانش وکیع است که از او تعبیر می کنند که مدلس بوده و تدلیس می کرده است و تدلیس از گناهان نا بخشودنی است.

11. بخاری و مسلم و احمد از ابوزرعه روایت کرده اند که گفت: با ابوهریره به خانه مروان بن حکم رفتیم، ابوهریره در آن تصاویری دید که داشتند درست می کردند و گفت: شنیدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: « وَ مَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ كَخَلْقِي؟ فليَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا شعيرة! » «چه کسی ظالم تر از آن شخصی است که می خواهد در خلق اشیاء مثل من باشد و مانند من بیافریند؟ (اگر ادعا دارند که می توانند) پس ذره ای یا یک دانه گندم یا جویی را خلق کنند!» (صابونی، ج 2، ص 434)

12. بخاری و مسلم از عایشه روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « أَشَدُّ النَّاسِ عَذَاباً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يَظَاهِنُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ. » «شدیدترین عذاب را نزد خداوند در روز قیامت، کسانی دارند که به آفرینش خداوند تشبیه می جویند (یعنی جانداران را ترسیم می کنند یا از روی آن ها مجسمه می سازند.)» (همان، ج 2، ص 434)

در تمامی این روایت معنای تصویر، اعم از نقاشی و مجسمه سازی می باشد.

نتیجه گیری:

با جمع بندی نظرات فقهای مذاهب خمس، بالاخص نظر مشهور علمای شیعه، به این نتیجه می‌رسیم که ساخت مجسمه موجودات ذی روح، اگر به صورت کامل باشد، بالاجماع حرام بوده و کسب و اکتساب با آن نیز، بنابر احتیاط، بهتر است ترک شود. اما نگهداری آن بلامانع می‌باشد، هرچند در خصوص آن نیز، نظر فقها بر آن است که بهتر است انجام نشود. البته فقهای اهل سنت حکم مجسمه سازی را به نقاشی نیز تسری داده اند ولیکن فقهای شیعه نقاشی را مجاز می‌دانند.

بنای فقها بر مجاز نبودن مجسمه سازی بر چند دلیل استوار است:

اول آن که به طور قطع روایات معتبر و قابل استناد فراوانی، که پاره ای از آن‌ها ذکر شد، در منع از ساختن مجسمه های جانداران وجود دارد.

دوم آن که یکی از دلایل این ممنوعیت، جلوگیری از کشیده شدن دوباره مسلمانان به بت پرستی و شرک است.

سوم آن اطمینانی وجود ندارد که دلایل ذکر شده در علت تحریم مجسمه سازی، علت تامه برای ممنوعیت آن باشد، بلکه ممکن است دلایل دیگری نیز وجود داشته باشد که موجب آن شده تا مجسمه سازی از دیدگاه اسلام مجاز نباشد؛ از جمله این که مردم به رفتار بی هدف روی نیاورده و از یاد خدا غافل نشوند، زیرا این گونه رفتار مورد تأیید شارع مقدس نبوده و به کرات توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) مورد نهی قرار گرفته است.

منابع:

1. قرآن کریم .
2. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (1406ق)، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم: دارالشریف.
3. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (1413ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
4. ابن منظور (1363)، **لسان العرب**، قم: ادب الحوزه .
5. الادیب الکریمینی، علی بن محمد بن سعید (1385)، **تکمله الأصناف**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
6. انصاری، مرتضی (1388)، **المکاسب (مکاسب محرمة)**، ترجمه و شرح احمد پایانی، قم: دارالعلم.

7. الله اكبرى، محمد (1375) و على رضا فرح ناك، نقدى بر مقاله فقه و هنرهای تجسمى و تصویری، نشریه فقه (كاوشى نو در فقه در اسلامى)، زمستان، شماره 10، ص 283 - 320.
8. الهامى، رضا (1381)، بررسى حكم فقهي مجسمه سازى، پژوهش در زمينه فقه و مباني حقوق اسلامى، مقالات و بررسى ها، دفتر 72، زمستان 1381، ص 155-177.
9. باقریان ساروی، احمد (1389)، آیات احكام در كتاب های شهید اول، قم: موسسه بوستان كتاب.
10. برقى، احمد بن محمد (1371ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
11. بروجردى، حسين (1386)، منابع فقه شيعه (ترجمه جامع أحاديث الشيعه)، ترجمه محمد حسين مهورى، تهران: فرهنگ سبز.
12. الجوهري، اسماعيل بن حماد (1984م.)، الصحاح اللغه، لبنان: بي نا.
13. حرعاملی، محمد بن الحسن (1409 ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت.
14. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر (1413ق)، مختلف الشيعه في احكام الشريعه، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
15. خرازي، محسن (1388)، حكم نقاشي و مجسمه سازي از نگاه شريعت، فصلنامه فقه اهل بيت (عليه السلام)، شماره 16.
16. خليل بن احمد (1367)، كتاب العين، قم: موسسه دارالهجره.
17. سعدي، ابوحيب (1367)، القاموس الفقهي، دمشق: دارالفكر.
18. سعیدی، سعید (1385)، معجم تاج المعاجم (فارسي-عربي)، تهران: اديان.
19. سورآبادى، ابوبكر عتيق نيشابورى (1381)، تفسير سورآبادى (تفسيرالتفاسير)، به تصحيح على اكبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.
20. سيد قطب (1378)، فى ظلال القرآن، ترجمه مصطفى خرم دل، تهران: احسان.
21. شهيد ثاني، زين الدين بن علي (1389)، الروضه البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه، قم: دارالعلم.

22. صابونی، محمد علی (1389)، **تفسیر آیات احکام**، ترجمه فرزاد پارسا، سنندج: انتشارات کردستان.
23. طباطبایی، محمد حسین (1367)، **تفسیر المیزان**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
24. طبرسی، فضل بن حسن (1372)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
25. طیب، عبدالحسین (1389)، **اطیب البیان فی تفسیر قرآن**، قم: مؤسسه سبّطین (علیه السلام).
26. فاضل لنکرانی، محمد جواد، **جامع المسائل استفتائات**، قم: مطبوعاتی امیر.
27. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله السیوری (1431ق)، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، تهران: مجمع عالی تقریب مذاهب اسلامی.
28. قرائتی، محسن (1375)، **تفسیر نور**، قم: مؤسسه در راه حق.
29. قرضاوی، یوسف (1380)، **دیدگاه های فقهی معاصر**، ترجمه احمد نعمتی، تهران: احسان.
30. کلینی، محمد بن یعقوب (1388ق = 1346)، **الاصول من الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
31. محقق، محمد باقر (1361)، **نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه**، تهران: انتشارات اسلامی.
32. محمودی، سید محسن (1380)، **مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع**، ورامین: موسسه علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج).
33. مکارم شیرازی، ناصر (1367)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
34. **موضوع شناسی فقهی مجسمه و نقاشی**، نشریه فقه (کاوشی نو در فقه در اسلامی)، تابستان و پاییز 1374، شماره های 4 و 5، ص 34 - 61.
35. نجفی، شیخ محمدحسن (1367)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
36. نجفی، شیخ محمد حسن (1404ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

37. نوری، میرزا حسین (1408 ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت.
38. نووی، یحیی بن شرف (1388)، ریاض الصالحین، ترجمه مسعود انصاری، تهران: احسان.
39. وافی، عبدالمجید (1374)، دیدگاه دین درباره نقاشی و مجسمه سازی، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ترجمه محمد حسین واثقی، تابستان و پاییز، شماره 4 و 5، ص 263 - 282.

Sculpture in Islam jurisprudence

Abstract

Sculpture art in human civilization been done with a different purpose. With the advent of Islam in an era where idol worship was common, a manifestation of the struggle between truth and falsehood, making idols was the most obvious examples of sculpture. Although other idolatry, except in some remote communities, not common, and Sculpture of art and science as a discipline is taught at universities and art colleges, However, according to verses of the Quran and hadith and Viewpoints Islamic scholars today similar with past, sculpture still prohibited and there is no valid reason for cancellation.

Keywords

Sculpture; Idol; Business forbidden; Creatures having spirit; Illustrations.

سید محسن رضوی اصل، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی؛

آدرس: قم، آزادگان، خیابان شهید کشوری، نبش کوچه کشوری 4،
پلاک 12، کدپستی 3719884491

تلفن : 09126530360

پست الکترونیکی : mohsen.razavy@gmail.com